

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - قرائت گزارش کمیسیون مبتکران راجع بقابل توجه بودن طرح انشاء قانون فروش اوقاف
- ۳ - رد سرنخ آقای کرکندی
- ۴ - شور اول لایحه انشاء قانون ریاست عالی کل نوا
- ۵ - طرح و تصویب لایحه علو محکومین - سیاسی و عدلی
- ۶ - وقوع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس سه ربع ساعت پیش از ظهر برباست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۰ مهرماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خبر) صورت مجلس تصویب شد.
 [۲ - قرائت گزارش کمیسیون مبتکران راجع به قابل توجه بودن طرح انشاء قانون فروش اوقاف]
 رئیس - طرحی راجع بانشاء لایحه اوقاف بامضاء عدو از آقایان رسیده بود که به کمیسیون مبتکران رجوع شد و کمیسیون مبتکران هم عملیات خودشان را کرده اند و راپرت خودشان را داده اند که باستحضار آقایان مبرسد.
 آقای هاشمی.
 (آقای هاشمی مخبر کمیسیون گزارش کمیسیون را بشرح زیر خواندند)

چون منظور از فروش رقبات موقوفه عنوان آبادی و عمران بوده و این منظور بوسایل بهتری از قبیل اجاره بامدت و تبدیل باحدن در موارد مقتضی امکان پذیر است و از طرفی فروش رقبات موجب جلوگیری از خیارات و میراث دالمی و عدم تولید نظیر خیر کنندگان در آینده است و نظر به مخالفت فروش با بسیاری از قوانین از آنجمله مخالفت با اصل مالکیت و اختیار مالک نخست.

بدین علل و علل دیگر طرح قانونی انشاء قانون فروش موقوفات را مورد توجه دانسته تقاضای ارجاع آفراب کمیسیون مربوط مینماید.

هاشمی - و ضمناً اجازه میفرمائید که يك عربنه است از طرف چند نفر بوسیله بنده رسیده است که تقدیم مقام ریاست میکنم.

کمیسیون مبتکران طرح قانونی راجع بانشاء قانون اجازه فروش املاک زراعتی و قنوات موقوفه را در چند جلسه مطرح نموده و مورد مذاکره قرار داده و بدینگونه اظهار میدارد:

عین مذاکرات مشروح یکصد و پنجاهمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری (شماره ۱۰۲۴ - سلسله - ۱۰۲۴)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

رئیس - آقای بیات.

بیات - چون این لایحه در کمیسیون مبتکران قابل توجه بود و بایستی به کمیسیون که مرجع این طرح است مراجعه شود و در گزارش کمیسیون را مین نگردد اند و مجلس بایستی کمیسیون را مین کند این است که بنده پیشنهاد میکنم که به کمیسیون فرهنگ مراجعه شود و در آن کمیسیون این لایحه تنظیم شود و بیاید به مجلس شورای ملی.

آقای بیات - کمیسیون مبتکران هم همین نظر را داشت.

رئیس - آقای انوار.

انوار - در این موضوع که آقای بیات اظهار داشتند بنده هم موافق و مشتاق نظر بنده این بود که چون میخواهم زودتر یک کمیسیون بر داشته باشم بنده میخواستم که نقضاتی یک فوریت بکنم که این لایحه یک شوری باشد ولی چون تکلیف کمیسیون مین نشده بعد نقضاتی یک فوریت بکنم.

آقای طباطبائی.

طباطبائی - بنده هم با آقای انوار موافق و عقیده ام این است که اگر جامع این امر به کمیسیون فرهنگ هم ضرورت ندارد کمیسیون مبتکران گزارش خود را داده است تقاضا میکنم که همین آآن رأی گرفته شود تا تعیین کار معلوم شود.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - مطابق نظامنامه وقتی که طرحی از طرف آقایان نمائندگان پیشنهاد شد به کمیسیون مبتکران مراجعه شد موافقت شد با این طرح پیشنهادی به مجلس گزارش داده میشود و از مجلس به کمیسیون مربوطه ارجاع میشود - کمیسیون مربوطه باین لایحه ارفاق هم کمیسیون فرهنگ است و همینطور که آقای بیات فرمودند باید به کمیسیون فرهنگ مراجعه شود و بیخواستار استناد کمیسیون فرهنگ هم تقاضا کنم که در شورای قانون سریع کنند زیرا این لایحه است که همه انتظار دارند که زودتر بگذرد و این قانونی که اخیراً گذشت زودتر روند و شود و آثار بد آن زودتر مرتفع شود.

رئیس - آقای نقابت.

نقابت - گزارش قانون فروش اوراق از طرف کمیسیون فرهنگ تصویب گشتی و دارائی تنظیم شد و هر سه نفر عزیز کمیسیون امانتاء کردند باین لایحه و انقدیم کردند و اکنون هم باید به هر سه کمیسیون مراجعه شود زیرا متضمن اختیارات فروش است و وزارت دارائی دخالت دارد و متضمن دخالت وزارت فرهنگ است ارجاع بامر ارفاق و متضمن دخالت وزارت دادگستری است در قسمتهای مربوط به خودش باین جهت بایستی به آن کمیسیونهای که گزارش اصلی لایحه را امانتاء کرده بودند مراجعه شود.

رئیس - آقای انوار.

انوار - بنده تو چه میدهم آقای نقابت و اباین که کمیسیون مربوطه کمیسیون است که نظامنامه مین کرده نه کمیسیونهای که فرمودند کمیسیون مربوطه آن کمیسیون است که همیشه باقی باشد و مرجع ارفاق آنها است که در نظامنامه داخلی برای امانت شده است یک وقت با کمیسیون تشکیل میشود و مقام ریاست هم اطلاع میدهند که چون این لایحه را بوزیر امانتاء کرده یک کمیسیون فوق العاده تشکیل میشود از امانتاء سه کمیسیون این کمیسیون را کمیسیون فوق العاده میگویند که در تمام موافق پس بنا بر این که آقای نقابت فرمودند که این قانون اول به سه کمیسیون رفته است علیحده علیحده و در هر کمیسیون رفته است و امانتاء هر کمیسیون نظر خودشان را از جهت قسمتهای مربوطه اظهار کرده اند کمیسیون فرهنگ نظر خودش را از جهت حائز بودن شرایط ارفاقی و کمیسیون دادگستری از جهت قوانین قضائی کمیسیون مالیه از نظر اقتصادی این جمع شدن آن کمیسیونها هم در واقع اجرای طبیعی بود یک کار فوق العاده بود آن بعدی که مادر سابق عمل میکردیم در نظر داشته باشید که یک کمیسیون فوق العاده بود والا کار بایستی جریان صحیح داشته باشد و نظامنامه و قانون بایستی جریان عدلی باشد و مطابق اصول مشروطیت باشد پس بنابر این به بنده بایستی به کمیسیون مربوطه برود و کمیسیون مربوطه آنها هم

کمیسیون فرزند هم.

رئیس - آقای بیات.

بیات - بنده هم بانظر آقای نقابت بیافزود موافقم.

رئیس - آقای د کتر سنگه.

د کتر سنگه - بنده عقیده ام این است که این لایحه به کمیسیون فرهنگ مراجعه شود و هر موقع که یک کار فوق العاده بود دعوت میکردند از انجمنی که مطلع بودند از آن موضوع. ممکن است حالا هم کمیسیون فرهنگ دعوت کند از سایر کمیسیونها (عده از نمائندگان - چرا) مقصود بنده این است که بیشتر در این لایحه وقت شود و زیاد غور شود که وقتی بیاید در این جا درست از آب در بیاید و ضروری ندارد که آقایان که علاقمند هستند در ان موقع تشریف بیارند در کمیسیون که خوب انجام شود.

رئیس - آقای نقابت.

نقابت - بنده در این قسمت نظری داشتم و آن این است که بنظر من اینکه این سه کمیسیون فوق العاده بوده و بنظر من اینکه آن حالت یک حالت استثنائی بود گزارش که به مجلس شورای ملی داده شد به امانتاء خبر سه کمیسیون بود و هر سه کمیسیون ذی نظر بود در این لایحه و حالا هم اگر چه همان سه کمیسیون برود بهتر است و مطلب بهتر حل میشود و چاره هم ندارد.

رئیس - آقای بیات.

بیات - این قسمتی که آقای نقابت فرمودند که لایحه در مرحله اولی رفته است حالا هم الزاماً به سه کمیسیون بایستی مراجعه شود این الزام چه بود که کار درست آن وقت چون جنبه فروش داشت نظر وزارت دارائی هم دخیل بود که کمیسیون دارائی هم دخالت کرد و حالا چون منع از فروش شد است نظر وزارت دارائی ذی نظر میفرماید باید یک لایحه است سرفا مربوط به ارفاق و مرجع آن است کمیسیون فرهنگ است در کار نظر آقایان جاع آن بکمیسیون دادگستری باشد ما منی ندارد ولی موافق قائده و نظامنامه کمیسیون دادگستری هم بنظر من در این کار هیچ مداخله

ندارد (صحیح است) و همان کمیسیون فرهنگ تنها نظر مدخلیت دارد این است که بنده پیشنهاد میکنم به همین کمیسیون فرهنگ مراجعه شود و آنجا از طرف آقایان وقت میشود و یک نظر بسیار خوبی میگردد و یک لایحه خیلی صحیح و از هر جهت جامع به مجلس می آید.

رئیس - آقای طباطبائی.

طباطبائی - عرض کنم بنده هم با این مطلب موافقم و این موضوع بقدری علاقه است و بایستی درش تسرع شود که اگر تکرر کرد باید فرودند که حالا بر خلاف نظامنامه است نمیتواند که همین جا رأی بگیریم که این قانون لوایح است ولی از نظر رعایت نظامات و تشکیلات داخلی مجلس که بنده خودم علاقه داشتم این عرض را نکردم و حالا راه طبیعی و نظامنامه این است که برود به کمیسیون فرهنگ و اگر آن وقت به سه کمیسیون مراجعه شد از این نظر بود که کار همی بود که بایستی بیشتر درش وقت شود ولی در لایحه این چه ضرورتی دارد که به سه کمیسیون مراجعه شود و یک کار غلطی که بایستی اصلاح شود احتیاجی ندارد که به کمیسیونهای غیر مربوطه برود به آن کمیسیون فرهنگ مراجعه میشود و کار تمام میشود.

رئیس - عرض کنم این آقایان که این طرح را امانتاء کرده اند از نظر کمیسیون امانتاء نگردد اند بنظر عنایت و رعایت کردن فرهنگ است و این طرح باید مرجع این کار کمیسیون فرهنگ است و آنجا باید رجوع کرد و بنده هم اگر خود کمیسیون فرهنگ لازم دید از کمیسیونهای دیگر خودشان دعوت میکنند و خود کمیسیون این کار را میکنند حالا اگر موافقت میفرمایید که رجوع شود به کمیسیون فرهنگ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رجوع میشود به کمیسیون فرهنگ.

۳- رد مرخصی آقای مرماسی

رئیس - گزارش از کمیسیون عراض و مرخصی رسیده است خوانده میشود:

آقای کر کالی برای کمک به ضبط انتظامات محلی بر حسب درخواست فرماندار کر کالی و شش روز از تاریخ سوم

شهر روز ۱۳۲۰ در محل توقف نبودند و در حضور در جلسات مجلس شرکت نکرده اند اکنون درخواست اجازه مدت نامبرده را نموده اند و کمسیون برایش و مرخصی با درخواست ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن تقدیم می شود
رئیس - موافقت با مرخصی آقای کبر کانی بر غزیده (عده کمی قیام مرود) تصویب شد.

۴- شور اول لایحه الحاق قانون ریاست عالی کل اوقاف

رئیس - شور اول الحاق قانون ریاست عالی کل اوقاف مطرح است. گزارش کمسیون خوانده میشود؛ گزارش از کمسیون قوابلین داد کستری:

لایحه شماره ۴۶۰۲۰ دولت راجع به الحاق قانون مرصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ راجع به ریاست عالی کل قوای ممالکی در کمسیون داد کستری مطرح و مورد تصویب کمسیون واقع شده اینک گزارش آنرا که عین ماده بگانه دولت است تقدیم می دارد.

رئیس - ماده واحد خوانده میشود:

ماده بگانه - ماده واحد مرصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ راجع بریاست عالی کل قوای دفاعیه و تأمینیه ممالکی اسخ و الحاق میشود.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - موافقت.

رئیس - عنانی بدرداری گرفته میشود و مورد شور دو موافقت بر غزیده (اكثر بر خاستند) تصویب شد.

۵- طرح و تصویب غلو محکومین سیاسی و عادی | رئیس - لایحه راجع به عنوموس مطرح است. گزارش کمسیون خوانده میشود:

گزارش از کمسیون قوابلین داد کستری در مجلس شورای ملی لایحه شماره ۲۶۹۱ دولت راجع به عنومحکومین سیاسی و عادی با حضور وزیر داد کستری در کمسیون قوابلین داد کستری مطرح و تحت شور و مطالعه در گرفت تا بنوبخت منضلی که آقای وزیر بیان نموده لایحه پیشنهادی با اصلاحاتی که آقایان ملاحظه می نمایند تصویب کمسیون داد کستری

رسیده اینک گزارش آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.
ماده ۱ - بوزارت داد کستری اجازه داده میشود کسانی را که بموجب قسمت یک و دو ماده یک و ماده پنج قانون مرصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ و همچنین اشخاصی را که بانها مذكور در قسمت اول ماده ۸۱ قانون کثیره عوموس اصلاح شده مرصوب اردیبهشت ۱۳۱۰ و کسانی را که بنا بر مواد ۱۱۲ و ۱۱۵ قانون کثیره عوموس بر طبق بند (ب) ماده ۶۶۹ مکرر قانون کثیره عوموس مرصوب سوم خرداد ۱۳۱۳ تا تاریخ سی ام شهریور ماه ۱۳۲۰ محکوم شده بودند الحاق نمایند.
ماده ۲ - کاتبان و پستدارین نامبرده در ماده یک این قانون تا تاریخ سی ام شهریور محکوم شده و هنوز حکم محکومیت آنها اجرا نشده و همچنین اشخاصی که تا تاریخ مذکور بانها محاکمه نامبرده تحت تعقیب هستند از اجرای مجازات و تعقیب معاف میشوند.

ماده ۳ - بموجب این قانون هیچ گونه آثار جزائی به محکومین اشخاصی که بانها محاکمه مذکور در ماده یک این قانون تا تاریخ سی ام شهریور ۱۳۲۰ محکوم شده اند مترتب نمیشود.

ماده ۴ - نسبت به کسانی که تا تاریخ ۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۰ بتوانند ارتقاء یا اختلاس یا تکبیر را (یا تکبیر را) محکوم بانضال اید از خدمات دولتی شده اند در صورتیکه از تاریخ قطبیت حکم نامدست سه سال مرتکب بجزیه شده باشند دیوان کثیره پس از رسیدگی حیثیت آنها را اعاده مینماید.

این رسیدگی در جلسه اداری داد کاتبان بعمل خواهد آمد.
ماده ۵ - کاتب اشخاصی که به بزه ارتقاء و اختلاس در دیوان کثیره محکوم شده اند و حکم محکومیت آنان قطعی شده است میتوانند از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه ماه نسبت به حکم محکومیت خود از وزارت داد کستری درخواست اعاده دادرسی نمایند هر چند مورد مشمول ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی کثیره می باشد و وزارت داد کستری در دیوان کثیره شده خاص بر این رسیدگی باین درخواست هائیکه خواهد داد که مهلت مقررات وابسته تجدید دادرس نماید - حکم این داد کاتب قطعی است و قابل و زهرش و فرجام نمیشود.

رئیس - چون يك فوریت لایحه تصویب شده است يك شور میشود. مذاکره در کابیناست. عده از آقایان اجازه خواسته اند البته رعایت موافق و مخالف میشود. آقای اضیاب اختیار - عرض کنم مخالفت بند با يك لایحه که حقیقتاً مدد در صد نفع بلطریق مردم بیچاره است جای تعجب است البته جای تعجب باید باشد زیرا بطریق مخالفت بند از این نیست که این قضیه خوب نیست و میخواهم البته تکمیل وزارت داد کستری که چرایش همچون لایحه را به مجلس آورده اند بنده بخوام عرض کنم وقتی که يك هیئت لایحه رایج مجلس آورده اند این را نمی پذیرند یعنی این هیواد که تکلیف میشود طوری باشد که با بیانات دیگری که حقا بایشی از این قانون استفاده کنند بی تعیب نمانند. بنده لازم میدانم آقایان را متوجه کنم که قوانین داد کستری ما اولی البته این عرضی را که میخواهم بکنم مربوط به متناخیز وزارت آقای آهی نیست چون همزمان مینماید و بنده هم میخواهم از ایشان مجیز بگویم در ضمن ایشان منظور وضیعت بوده است (قوابلین داد کستری ما در وضیعت داشته است یکی قوابلینی بوده است که بطور عادی به کمسیون قوابلین داد کستری ارجاع شده و از مجلس هم گذشته و بنده خیال میکنم که این قوانین خیلی خوب قوابلینی است و بایک مطالعه و دقت تنظیم شده و بایک اداراتی که برای این کار در وزارت داد کستری هست که قوابلین را کاملاً مطالعه میکنند و باسوابق امر و قوابلین خارج تطبیق میکنند و به مجلس می آورند البته این قوابلین کاملاً جامع خواهد بود ولی بلقوابلینی هم بود که برای مورد خاصی می آورند. مورد خاصی که تصادف کرده و آقای وزیر داد کستری وقت لایحه را آورده است. نازل کمسیون داد کستری گذشته باز مجلس شورای ملی گذشته و باید اذعان کرد و متأسف بود از این که این قوابلین کادر مورد خاص به مجلس می آورند کمسیون داد کستری گذشته کاملاً رعایت نشده و مطالعه کافی نشده است و در عمل دیده شده است که برای این موضوع بخصوص بلقوابلینی به مجلس آمده و شاید از این قانون برای يك مرتبه بیشتر استفاده نمود و برای يك موردی بوده است که آن يك مورد و ادعای

دادند و آن قانون همانطور مانده است. بنده این موضوع را در وقت خدمت آقای وزیر داد کستری توضیح دادم خیلی مفصل رینده خیال میکنم ایشان هم بنده هم فکر کرده اند بنده قبول یکی از رفقا آقای وزیر داد کستری منطقی دارد خیلی خوب طوری که هر حق را ناحق میکنند از وزیر داد کستری - خدا نکند (بنده خیال میکنم بهتر این است که خدا بکند البته منطقی قوی است و امیدوارم همان منطقی قوی را برای احقاق حق صرف میکنند و اعمال کنند. يك قانونی از کمسیون داد کستری با اختیارانی که کمسیون داشته گذشته است این قانون مربوط باصلاح تشکیلات ماده ۱۰ ماده ۱۴ آن هر دو مورد استناد بنده است اجازه میفرمایید برای آقایان بخوانم ماده ۱۰ است (در وزارت عدلیه شورای عالی تحت ریاست وزیر عدلیه از مدعی العموم کل دیوان عالی عمیز و مدیر کل امور قضائی و مدیر کل امور اداری و یکی از رؤسا یا مستشاران دیوان عالی عمیز یا انتخاب وزیر عدلیه تشکیل میشود) بعد وظایف این شورای میگویند و در ماده ۱۴ همین میکنند (شورای عالی در صورت وارد بودت تخلف یکی از مجازاتهای مقرر در قانون استخدام قضات محکم خواهد داد. رای شورای عالی قطعی است. شورای عالی عالی میتواند قبل از صدور حکم در مواردی که مقتضی بداند قرار تطبیق مستخدم تحت تعقیب را بدهد) البته این قانون از آن مواردی است که صرفاً برای مورد خاصی تصویب شده است - قانون تصویب شد و يك حکم هم در داد کستری تشکیل شد و سه نفر بیچاره را محکوم به انضال اید کرده وقتی که آدم دقت میکند می بیند این قانون حقیقتاً خیلی ظالمانه است چرا؟ برای این که مستخدمین و قضات وزارت داد کستری برای قسمت قضائیان ما يك قانون خاصی و يك حکم خاصی بنام عمده انضالی داریم که هر مستخدم قضائی وقتی که تخلف کرد با يك قوابلین خاصی که پیش پشني شده است که چه جور رسیدگی شود ولی این قانون صرفاً برای يك چند نفری که مطلق آن تمبیهشان کرده گذشت. این اشخاص البته روی موارد اخلاقی مورد تعقیب ممکن است واقع شده باشند و تکثیر

قانونی اگر چنانچه يك عباي كرد كه اخلاقاً با حيثيت و انصاف او تطبيق نميگردد از طريق اين قانون محاکمه ميشود و محاکمه آن را بنده استخالي نمي بيند و منتقم بايد بشود ولي حاكمي كه از اين محاکم و اين شديدي عباي صادر شده است ظالمانه است شوراي عالي اين سه نفر را كه مورد نظر شده است محكوم کرده است به انفصال ابد و براي آنها هيج حق تميز و هيج حق اينكه به يك بگردد ديگري از اين حكم شويانده و اغوايي كند نكند است. مضافاً اين كه با آنها اجازه دفاع هم داده نشده اين اشخاص را كه محكوم کرده اند براي اين ها نه دفاع نامه صادر شده و نه كنهانند كه اين اتمام را بنو ذرمان نخواست دفاع كن كه و همچنانچه وزير ارادست بانه بدون اين كه اين قضاياهم عمل آمده باشد اينها را محكوم کرده اند با گزارش يك بازرس بنده اين موضوع را خدمت آقاي وزير دادگستري عرض كردم كه اين قانون از قوانين است كه بايد بنظر بنده لايو شود و فرمودند كه يك قوانين ديگر هم هست كه مورد نظر است و دره خود خوش دنظر گرفتارم كه تجديد نظر بكنيم و بيكي از آن قوانين هم شايد اين باشد. با اين اشكال ديگر هم فرمودند كه بنده نظرم اين بود كه اصلاح در اين قانون بكنيم كه استيفاء از اين حكم را بدويان محرمي كند و حاله بكنيم كه كساني كه از اين حكم منصرف شده اند حق داشته باشند به ديوان كشور مراجعه كنند و دادخواست كنند كه اگر اين حكم برود در اين اشخاص صدق نميگردد و مشيت آنها را اصلاح كند به بنده فرمودند كه شوراي عالي كه در اين قانون پيش بيني شده است فوق آن محكمه است كه در دنظر باريد بنده هم حقيقه معين طووس است و اين كه اين شوراي تشكيل ميشود از وزير عدليه و مدعي العموم ديوان كشور و بنده هم بيد كه حساب كردم ديوم اينه مطلب خيلي صحيح است و ما بايستي از يك محكمه ما فوق بيك مقام ما دوني شكيت كنيم اين صحيح ولي از يك طرف هم بنده خيال ميكنم كه خود آقاي وزير دادگستري هم اين قسمت را منكر نبوده كه بايد يك تجديد نظر براي آنها قائل شد و بالاخره بايستي تا تمام احوال داد كه بنواشته از خود داشت

دفاع كنند بايستي بايضا ادعا نامه ابلاغ شود كه برانند از خودشان دفاع كنند و بنده اين را باين صورت در آوردم و اميدوارم آقاي وزير دادگستري هم موافقت فرمايند كه يك بنبره باين ماده چهارده اضافه كنيم كه باين دوي حق داده شود در آن احكام صادره تجديد نظري نمايد و حقيقه آنوقت به بنينم اگر اينها استخالي اين مجازات شديد را داشته باشند همان ترتيب عمل رفتار بشود و اگر داشته باشند كه هيج زير حقيقه بكنند مثال يك كسيكه آدم كشته است موقع دادگستري و محاكمه با اجازه دادمانده كه برود در دادگاه استيفاء و تميز از خودني دفاع كند و كبل تيرابش تعيين نميكنند هم كدام ميكنند كه دادگستري هم بايد وقتيكه ما بخلاف اين هم حق بدهيم براي دفاع از خودني ديگر اين آدم كه از يك قاتل بد تر است مهم تر است بكنند براي كه رفته اند و گفته اند كه مناسب باشند قوانين رفتار نكرده از يك قاتل بدتر است؟ يك قاتلي كه ميبرد يك نفر را يا ميگردد در تمام دادگاهها از ابتدائي و استئناف و تميز پس از اينكه براي او اعلايه صادر شده و كبل مدافع پرايش ميگردد و حق دفاع بهش ميدهند. وقتيكه ما براي يك قاتل باين قيديه هجتم پسر اي بگفريم كه خوب سرفا باك آنهايي برعليه او بوده است لافش هم بايد تا اين اندازه باو حق بدهيم كه از اين انهامي كه باو زدم شده از خودني دفاع كند بيدهم محكمه هر كاري بشودايد بكنند و البته اگر هم گفته شود كه بگذارد براي آن موقعيكه آقاي وزير دادگستري فرمودند كه در برنامه دولت هم هست و در دنظر داد يك قوانيني را براي اصلاح قوانين سابقه بجهت شوراي عالي پيشنهاند نمايند در دن اين قانون رام اصلاح خواهند نمود بنده عقيدۀ ندارم بلكه منتقم هم جرمه وقتي دست بدهد كه ما بنواينم بيكي از اين قوانين كذائي را اصلاح كنيم بايستي اصلاح كنيم. مثلاً اين همچن امروز سبجي كه اين جا مي آمد بيكي از اين قوانين بر خودم كه مورد ادعا شده و آن قانون انتشارا كذيب است بگردد از مردم تحت اين عنوان بازداشت زنداني شده اند بالاخره از قضيتي از هم چه اقتضاه اند و دعوي هم دليل و برهاني نداشته است

است فقط فقط بجهت دوسه نفری كه آمده اند و گفته اند فلاسك فلان دروغ را كشته است (يك عدد خاصي البته چون ابتدا عرض كردم تمام اين قوانين براي يك مورد خاص و براي چندنفری كه منظور نظر بودند مي آمد و از كسيهون قوانين دادگستري يا از مجلس ميگشت و آت چند نفر بخصوص راي گرفتند و پنداشت را هم در ميآوردند و ديگر هم آن قانون عباي نميشد) بگوش ميگردد و زنداني ميشود. پس اين موضوع را حالا كه آقاي وزير دادگستري هم تيراب دادند موافقت فرمائيد كه هر وقت فرسني بست ما هم آيد تا يك مردمي در راحت كنيم اين كار را بكنيم. يك قانوني آمده است مربوط بلك قضيۀ (بلورديك) عرض كردم و يك مردمي هم گرفتار شده اند ما حالا يك مردمي را كه بهر صورت بهر كويت و عناوين الزم اينليل ما هم عرض كردم تحت تعقيب و توقيف در آمدند مورد توجه قرار دهيم چه عبيي دارد؟ چه شرطي دارد كه ما مردم را از زجت و مرامت خلاص كنيم؟ اين مردمي را كه براي يك همچو مواضع بخصوصي گرفتار شده اند نسبت با آنها هم در اين مورد كه فرسني بست آمده يك توجهي بكنيم چه ما اين دارد و موضوع ديگري كه بنده در دنظر داشته عرض كنم و البته بلكه اقتضايي هم در اين طبقه و اين اشخاص بنده با آقايان ديگري رسيد مربوط بآن طبقه از مردمي كه پنهان ارتداد و اختلاس است تعقيب واقع شده اند. اين راجع خدمت آقاي وزير دادگستري متصلاً عرض كردم و ايدان هم اينصاف موافقت كردند و يك ماده چهارم هم در دن اين قانون اضافه شد آقايان هم ملاحظه فرمودند. اشكال بنده فقط اين است كه اگر چنانچه اين حق را ما براي يك طبقه مردم قائل هستيم كه بگوشيم مردمي كه پنهان ارتداد و اختلاس در ديوان كيفر محكوم شده اند تمام مجازاتها نسبت با آنها اعمال شده و دنجله كردن عبيي جيس شده اند و اموالي را كه بايد بدهند دادند منتقل هم بپورده اند و هم اين كارها هم نسبت با آنها شده و اينها را حالا ما بخواهيم اعاده حيثيت همشان بدهيم (مطابق اين ماده چهارم) كه پيش بيني شده است و يك طبقه مردم هم در اين قسمت استفاده ميكنند و بنده هم

در اين قسمت از جناب آقاي وزير دادگستري اظهار امتنان ميكنم چه شرطي دارد كه... ارتداد بنده دل سوزي ندارد آقا از فرد چرا دفاع ميكنيد... اجازه فرمائيد آقاي البته مزد بايد مجازات شود بنده و همه موافق فقط اشكالي كه بنده با جنابايي دارم اين است كه در اين قبيل موارد بايد ديد حقيقه فرد بنواشته فرد حقيقي و واقعي است يا نه و بنده واقعي را بنده هم موافقم كه بايد كيفر بدهند. در اين قسمت هيج حرفي بست ولي اگر يك مردمي را در ديوان و جنجال و دري همان وضع غير عادي ملكت آورده اند و مزد قلمداد کرده اند اينها مزد ليستند بهر صورت بنده مقدمه اين بود چه شرطي دارد اين بياني را كه جناب آقاي وزير دادگستري هم کرده اند و تا بگزار ريال بگوشيم و پنهان و اختلاس را مقبول قرار داده اند اين را ديشتن كند پنهان اگر كسي بسد و ده تومان ا صد و بارده تومان هم محكوم شده چه فرقي باسد تومان دارد و هم مشمول شود. آن دليلي كه موجب بده است كه بگمك نوهائي شويانده استفاده كند از موضوع اين قانون بسد و ده توماني هم همان دليل و موجبات را دارد ا صد و پنجاه توماني هم دارد ا دوست توماني هم دارد چه فراسد توماني بايد استفاده كند و سد و پانزده توماني بگمك بنده منتقدم كه همين بگزار ريال را در بارم و با اول كليل بگوشيم اشخاصي كه وارد حكومت بنده درود شده اند بنده شده آنها هم استفاده كنند از اين ماده چهارم با اين فرق كه البته اعاده حيثيت چون لازمه اش اين است كه اگر كسي پولوي داد باشد در آن موقع ادوات حكومي كه برعليه او صادر شده است بايستي پس بدهند با البته در اين جا ديگر بنده اين نظر را ندارم و خود آنها هم اين نوع ا و دارند كه پولوي كه از آنها گرفته شده است با آنها مسترد بدارند يا اگر ضرر و زيان با آنها رسيده است آن را بخواهند از خزانه دولت تقاضا كنند و بگيرند. خير از اين قسمت و از اين جهت صرف نظر ميشود فقط استدعاي بنده اين است كه اين قسمت را موافقت فرمائيد كه بگزار ريال در بارم دارم و هم اين اشخاص مشمول بشوند و خلاصه اين است كه با آنها

هم که یک نفر باشند و ملاحظه فرمائید آقا خدا دارد این
 که یک می کند برای اینکه برای اینهایی که محکوم شده اند
 بنده هم معتقدم در ذرات آفتاب انبساط نباید که مسامتت
 کرد و بنده هم عقیده دارم که دوزدا باید مجازات کرد ولی این
 دزدی را که شما می فرمائید به بنده خیال می کنم آفتابی
 افتاد یک قدری احساساتشان تحریک شده است والا با آن
 وضع غیر عادی آن حکومت برای او پیش آمده و تمام آن
 استقامتی که در حکم برای او پیش بینی شده برای او کجاست
 شده و تمام شده (افتاب - افتاب - بازند است آقا) ... (و کباب -
 اینطور نیست آفتاب بزدلیست) عرض کردم بنده خیال میکنم
 یک قدری احساسات آفتابی افتاد تحریک شده باشد و الا
 اینکه جنبه ملی بیگ سر می فرماید دزد و خود دین هم
 می فرماید و نسبت عاوی بوده است تقصیر این چه صورت
 دارد چطور میشود اینها را تطبیق کرد با دین این حکومت
 غیر عادی با تمام دزد هم گفت؟ البته آن وقت کسی که آن
 روزها محکوم می شد بنده و همه آقایان معذون می شدند بنده
 آقا حقیقاً اینطور است یا نه؟ صحیح است یا نیست از آن
 طرف و وقتی سابق زندگی و خانواده که اینها شانس راه بدیدیم
 مشاهده می کردیم که به نبودن آنها این حرف را زد و این
 نسبت را دارد و مورد تبادر و بنده تصور میکنم که بهتر
 این است که در فحشیت اول موافقت فرمائید و در نسبت دوم
 هم موافقت و مسامتت بکنند که این اصل بیشتر بنود

رئیس - آقای مؤید احمدی، موافقت؟
 مؤید احمدی - بنده هم موافقم.

رئیس - باز فرماید

مؤید احمدی - عرض کنم که بنده در این لایحه دولت
 کاملاً موافق هستم و اینکه یک قدری هم اظهار امتنان
 میکنم از آقای وزیر دادگستری که به حسب فرمائش
 اینحضرت یک عده مردمی را علو کرده و راحت کردند
 بود چون این ماده هم یک عده سرخس میشود البته همه اینها
 قابل نفیست و امتنان است عرض کنم که بنده شما را
 تذکری می خواستم آقای وزیر محترم دادگستری عرض

را چون بنده با دانشم نمی خواهم این چه آورده باشد هم فرماید بنده
 این عرضی که میکنم عقیده خودم است و ممکن است بداند بنده
 با نظر آقا تطبیق نکنند و شاید مطبیق بکند انشاء الله و آن
 موضوع دیوان کثیر کار کتابان دولت است که به عقیده بنده
 موضوعی ندارد که برای کار کتابان دولت که یک طبقه
 با فکر و دانشمند کشورند دیوان خاصی برای دادرسیشان
 تشکیل گردد زیرا این قانون دیوان کثیر کار کتابان دولت
 وسایط تشکیل آن را هم ما با حقوقی بخاطر داریم که در
 اثر چه چیزها و چه بیش آمده مالی بوده و در ضمن موقع
 شاید چیزی از آقایان بخاطر داشته باشند که چند نفر از
 ما با مخالفت کردیم یکی از آنها هم آقای مؤید احمدی بود
 خوب متأسفانه آن روز اثرها هم پیشرفت نکرد - حالا بنده
 معتقد هستم که این دولت اصلاح طلب که امروزه برای
 اصلاحات حاضر شده است یکی از جمله اصلاحاتی را که
 باید شروع کنند بنظر بنده توجه به بنی از قوانین است
 که متأسفانه با آن درجه گذشته بوده و متناسب با این دوره
 فعلی نیست و یکی از آن قوانین همین قانون دیوان کثیر
 کار کتابان دولت است و عقیده بنده هم مستخدم دولتی هر
 عملی کرد باید مطابق قانون مجازات عمومی تعقیب و در
 محاکم عمومی محاکمه شود و آن مواد شدند در بالاخره آن
 فرودگاه که در راه می داین چه بوده اینها دیگر لازم نیست
 دیر داشته شود. عرض میکنم بنظر بنده اینها ضرورت نیست
 این بود که خواستم آقای وزیر دادگستری تذکر بدهم که
 این اصلاح را در نظر بگیرند؛ البته این جا موردی نیست
 ولی در آنچه در موقع خودش در نظر داشته باشند که با آن
 نظر اصلاح طلبی که دولت دارند سابقه را که خوب نیست
 اصلاحاً و اساساً در برابر و از بین ببرند و یکی هم راجع به دیوان
 محاکمات لوقتی عرض کرد که بنده می بینم هم در آن دیوان محکوم
 شده بودند در این جا مثل اینکه شاید در ضمن این مواد
 باشد اگر هست بنده اطمینان می کنم که این قسمت را هم
 آقای وزیر دادگستری توضیح بدهند که آن هم شنیده و
 جزو این قانون است (صحیح است) چون دیوان محاکمات

هم یک دیوانی بود که خودتان سیاه و رویانی را میباید
 انداخته هم که در آن دیوان محکوم شده اند با بد از این قانون
 بد این موقع استفاده کنند و رفع بیخوشی و بیچارگی آنها هم
 بشود (صحیح است).
 رئیس - آقای اورنگ، موافقت؟
 اورنگ - توضیحی دارم؛ و الاً خودم بعد از موافقت
 با مخالفان آیت حق ولی نازل برجت با مخالف - خود بدانم
 تا که با اینها چه در تقسیم کنند؟ و چه کنم بگویم مخالف مسا
 و موافق؟ خودم بعد از اینها (غندم بمانند کافان).
 رئیس - باز فرماید.

اورنگ - عرض کرده بنده بعد از مخالف هستم با موافق
 زیرا عرض کنم مخالف کسی است که با این مواد موافقت
 نداشته باشد و در عرف اینطور تعبیر می کنند برای مخالف
 یعنی کسی که بگوید این مواد را من قبول ندارم از کافان
 او را می گویند کافان آخراش ' موافق هم کسی است که تمام این
 مواد چسب شده را تماماً صحیح و بیجا می داند یک چیز
 مرعی هم موافق است؛ حال یک فرس سؤمی هم دارد؛ یک
 کسی یک آدمی بنده بود و بگوید که این مواد همش
 خوب است ولی یک بقصداری کسر دارد که باید با آن اضافه
 بشود یعنی اینها خوب است با اینها اضافه کرد ساختن شود.
 این است یعنی چه در جهت است و الاً ما بعد از (امیر لیور -
 پیشنهادها که در جام پیشنهادها هم نیست؛ پیش نهادم بدوخواهم
 بکنم آمده ام با آقای وزیر دادگستری مذاکره کرده و
 پیشنهادی همان آقای ملک مدنی و آقای اعتبار بنده ساخته
 کرده ام عرض میکنم و مطالبی را عرض فرمایم و ایشان هم
 فرمودند پیشنهاد لازم ندارد در موقع خودش بگوید و تذکر
 بدهید تمام جوره بدهم و رفع اشکال میشود و نظر نظر این
 میشود حالا ام من من چیست؟ اینها ...

عرض کنم که این قانون خیلی قانون خوبی است ولی
 یک نواقص داشته است که یک عده از آقایان تذکر دادند
 و اقدام با دولت فرمودند و جواب میدهند؛ اما عرضی که
 بنده دارم با اینها یعنی از مردم در محکمه ارض محکوم شده اند

و اینها موافق آن مقرراتی که در اجناست تفاضای تجدید نظر باید بکنند. این تفاضای تجدید نظر در آن جا دور کن دارد یکی خواستگار محکوم یکی هم موافقت یک مقامی. شاید خواستگار محکوم شده ولی موافقت آن مقام ندهد و رفته است این مرد دسسال هفت سال پنج سال بازتعمیر محکوم زودنای شده است. حلاصحا که از روی حقیقت صادر ندهد. کاری ندارم امروز هم بساط بساط فرح است و بر هم زدن این قبیل از افعال حالا این قانون شامل حال آنها هم هست یعنی حیثیت آنها هم که در داد می شود یا می شود در آن ضوابط مانده آن محکوم هم همان هست که در آنجا اعدام شده است. یکی کرده است آن دادگاه دادای خود را بدیده. داده از موقع تفاضای یک نفر از تاریخ استناد اصلا نسخ شده بوده است و حالا بیست و یک نفر دادگستری در این لایحه که حالا مطرح است و در جواب ندهد خواهند فرمود میسراند که این قانون شامل حال آنها هم هست یعنی آنها هم اعدام حیثیتشان می شود یا می شود. البته که می شود و ایشان هم فرمودند که می شود ولی اظهارش در اینجا برای ما خیلی معتبر و مفید است. یک عرض هم می خواهم خدمت آقای افشار بکنم؛ آقای افشار صحبت سر عنوان است و اختلاف در سر عنوان ولا شده بیچونو چو باد آدمی را بغضای یافت که در روز پانزده هزار سال قبل از اسلام تا حالا در یک حکمتی نوشته باشد و در یک جایی گفته باشد که دزدی خوب است؛ بنده که پیدا نمی کنم مگر بعضی چیزها که در ذوقیات دخالت دارد و میگویند دزدی آن با مزه تر است (خنده نمایندگان) همینطور نقل شد و احوال اینها که هیچکس نمیگوید خوب است ولی خوب یک فرد یا افراد مدعیی را که باین کیفیت خاصی که افشاراس جمع می شدند دور هم و می گفتند این ذرت است یا این پندار است باید دید و اتفاقاً هست یا نیست؟ اگر واقعاً هست که هیچبغری پیدا می شود که حامی این باشد و اگر واقعاً نیست و آن عنوان تطبیقی با این آدمی غلط بوده است یعنی از روی باسواب؛ یعنی از روی گناه؛ یعنی از روی بد عملی و بد کاری این آدم محکوم ندهد و این عنوانی را که منطبق نیست

باید یک پلی گرفته شود و این قبیل اندکشاخ مورد نظر و مرصحت اولی دوند زیرا این وضع فوق العاده که همیشه بانی نیست؛ حال در این مورد چه ضرر دارد ما بیایم و بسبب باین اندکشاخ که محکومیت سابق را کشید باخدا خسارت بداند بیول داده اند مرکب بزه و گناه دیگری هم نهداند تا این مدت در باره آنها هم ملاحظه کنیم و اعاده حیثیت آنها را هم که محکوم بانضال این هستند بنده ایلی و این انضال ابد هم از آنها بر داشته بود. تا این اندازه که آقای وزیر دادگستری موافقت فرمودند و ماده ۴ اضافه شد باین لایحه خیلی خوب است و حال استعاضی بنده و آقای اعتبار و دیگران این است که در این موقع فوق العاده باید احتیاج و یک مرتعی نسبت بانضال هم که ادارات ما آنها احتیاج دارند و هم اینکه بعد از این موقع فوق العاده واقع شدیم نسبت آنها تقاضای واقع شد و این انضال ابد درباره آنها بر داشته شود و البته بفرمودن بنده از این ناطق نظر بود چون آقای وزیر عدلیه فرمودند که این نظر بنده باعث می شود که خیلی چیزها واقع شود و این حرفها هم مورد بی مرتعی واقع شدیم از این نظر عرض کردم و الا نسبت بودن محکومین سیاسی که غلو شوند این بیچاره هالی که بی تصدیقند کلاما و موافقت و این مرتعیان بر مییل کلیات است و امیدوارم که اکثریت مجلس که زود آمده است برای کار لال کردن باین مرتعیان بنده هم مرتعیی بفرمانند.

عدهای از نمایندگان مجلس - مذاکرات کلی است.

وزیر دادگستری (آقای آملی) - بنده بدو از تفاضی که آقایان نمایندگان محترم نسبت به بنده فرمودند در اینجای این وظایف که بنده از طرف دولت بعمل آوردم با تشکر میکنم و امیدوار هستم بعداً هم اصلاحاتی که در دست اقدام است و بعد هم تحت ملاحظه و دقت قرار میگیرد بانی لوابیح هم بیاید و تصویب مجلس شورای ملی فرمورد. اما در مورد وضع ما منصفیه و این لایحه که تدویر شده و امروز مطرح است بنده خوب متفانه می بینم که مورد توجه همه آقایان واقع شده است و ابرار اداسی که با آن وارد دست سهل است مورد

تصویب همه آقایان محترم هم می بینم واقع شده است منتهی آقایان نمایندگان محترم خواسته اند نظر بر وقت قبلی که دارند برای اینکه نوعی بیاکند شده باشد می خواستند این را بطیقات دیگری هم تصویب بدهند. البته اگر این امر بر خلاف مصالح کشور نبود و آقایان باید تصدیق بفرمایند که بنده هم البته مختلف میگردم ولی در موردی که ممکن است بر خلاف مصالح مملکتی و کشور واقع شود البته آقایان هم مجبور نخواهند کرد. راجع به مطالبی که آقای اعتبار نماینده محترم مذکر دادند کمیته لوابیح که به پیشنهاد وقت آمده بود است ممکن است که یک قوانینی یک موجباتی دارد و مقتضیات زمان هم تأثیر دارد البته تا یک موجبی باشد و مقتضی باشد قانون نمی آید اما اگر بگویم یعنی قوانین برای یک دفعه باشد و برای یک مورد باشد بنده قویاً فرمودم و بلکه تکذیب میکنم و همچو قوانینی که برای مورد بخصوصی و برای یکدفعه است و هم سراغ ندارد. یک مورد بخصوصی زبینه ماده است برای اینکه موضوعاتی مورد توجه واقع شود و نسبت بآن چون کلیت داشته است قوانینی وضع میشود البته او وقت که قانون وضع شد دست در چند مورد هم بوقع اجرا گذاشته شده است و ممکن است در آتی هم بوقع اجرا گذارند و ممکن است یک مورد برای اجرای یک قانونی امسال پیش بیاید و یک مورد سه سال دیگر پیش بیاید که یک وقت یک قانونی فقط در یک مورد اجرا شد دلیل بر این نیست که بگویم کلیت ندارد. قوانین کلیت دارند منتهی در او در دست زبانه است مرتعیان هم قوانین در قوانین داشت چنانچه در قوانین تمام دنیا است اما متعاقباً باین بگویم قوانین مانع ندارد و همچو ادهالی نداریم البته قوانین ما هم قوانینی دارد و مقتضیات هم در هر زمان فرق میکند مقتضیات امروز با بیست سال پیش فرق دارد بیست سال پیش بیاید سه سال پیش فرق داشته ما هم قوانین را باید با مقتضیات تطبیق کرد و البته قوانین را هم مطابق مقتضیات اصلاح میکنم دیگر اینکه فرمودند که بنده وقتی که صحبت میکنم ممکن است حق را باطل کنم یا حق را باطل بفرمایند و اینها بنده متظنی اربابا بکنم که با آن متظنی حقی را ناحق کنم

بله استقلال میبکند و متعلق هم بر من میسران ولی برای انبابت
مطلب بجای و بحق به بنحای اینکه آقای اعتبار قانون شورای
عالی را تذکر دادند و اظهار کردند که این برای مورد خاصی
بوده است بنده ناراضحی این قانون را میدانم ولی با مطالعه
که در این قانون کردم اصفاً این قانون بر عرض کنم این قانون
کلیت دارد و احتیاج هم بآن قانون هست اگر آقایان در عمل
می بودند میدیدند که مواردی هست که باستی از این راه
عمل کرد درست است ما محکمه عالی داریم که در آن محکمه
بایستی رسیدگی کرد به تخلفات قضایا چه جور رسیدگی
میگردد؟ رسیدگی میکنند مطابق اصول محکمه چون ممکن
است بک تخلفاتی از قضاة سر زده باشد که مدار کی داشته
است که محکمه پسند باشد اما مدارک بنده گاه عالی انتظامی
می رود و مطابق برای میدهد یا تیر به عینت با محکوم
میکنند ولی متأسفانه عمل و رفتار بشر طوری است که همیشه
با مدرک و دلیل میشود با او مقابله کرد و کار قضات هم
شوخی نیست که با بهانه اینکه دلیل و مدرک نیست در همه
موارد حکماً دلیل میخواهیم که چون دلیل نیست و محکمه
انتظامی هم نمیتواند رسیدگی کند پس این قضای متخلف
که برخلاف قانون عمل کرده ما این قضای را سر جای
خودش بگذاریم این کار را نمیشود کرد در هیچ جایی دیام
این کار را نمیتواند و ما هم نمیتوانیم در این جور موارد است
که باید رسیدگی کرد و رسیدگی کامل هم کرد و باید حق
داد که دفاع هم از خودش بکند و بنده هم تصور نمیتوانم که
بطرف اجازه داده شده باشد که از خودش دفاع بکند
دفاع هم از خودش بکند ولسی طرز رسیدگی در یک
دادگاهی است که مطابق اصول مبنی عمل میکند در اینجا
این شورای عالی تشکیل شده است بطوری که در قانون
ملاحظه فرموده اند از علایقین قضات و انتظامی که سالها
تجربه دارند و واقف بچربان امور هستند و آموخته شده اند
در این جور موارد که ممکن است دلیل قضای باشد یعنی
آن کسبیت قضای را که باید دادند باشد ندانند باشد پس
چون امور رسیدگی میکنند و آنوقت میشود رسیدگی

این شورای عالی را تخطئه کرد و نکذات تربیت اثر به آن
داده شود بنده اشتباه در ذکر هر کس وارد میدانم ممکن است
فرمانی اشتباه بکند و هر محکمه اشتباه بکند ولی در اینجا
همی شود نسبت تمدد داد و با اینکه بطور کلی کتک که این
لازم نیست. در صورتیکه هم لازم است هم نسبت تمدد جاندار
والیته شاید بعضی موارد احتیاج داشته باشد باینکه یک واردی
پیش نیاید که بعضی ها تمام حق درباره رعایت نشده باشد
این امر یک امری است که در تمام دنیا ممکن است که یک مورد
قانونی پیش نیاید که یک اشخاصی برخلاف حق محکوم شده
باشند والیته نادر است و در اینصورت هم در اینصورت مشمول
عفو واقع هستند و از عفو استفاده میکنند در صورتیکه جا
داشته باشد اما اینگونه مواردی که مورد عفو واقع میشود
مطابق قانون است و نمیشود این را ما از مشرف شویم
در قوانین ما مدین است که چه جور امری است ممکن است
مورد عفو واقع شود مطابق او هم عمل کرده ایم و نمی شود
فلاً از او هم انحراف پیدا کنیم و آقاسنی که آقای اعتبار
فرمودند راجع به شورای عالی وزارت دادگستری همانطور
سکه شده باقایی اعتبار رعه داده ام تجدید نظر میکنیم و
پیشنهاد میکنیم ولی اینجا جایش نیست و ایشان هم متقاعد
شدند. یک مصلحتی را آقا اینجا تذکر دادند چون یکی از
مطلب اصولی است یک نفر فلان عمل را مرتکب شده است
و میخواهیم اینجا مشمول عفو نشود که این از قتل
مهتر نیست اجازه بفرمائید عرض کنم که این از قتل مهتر
است زیرا ممکن است در قرائت آنها هستی و مال عده زیادی
از این رفته و شاید منجر بقتل هم بشود شما میخواهید از
این قانون استفاده کنید که بعضی از قضاة یا بعضی از کسانی
در یک مقامی واقع هستند که جان و مال مردم باختیار آنها
واقع شده است و یسره برائی و نظر آنها است اینها بیبایدند
و استفاده کنند از وقت قلب بنده و جنبامالی و بیایند اینها
از ایشان سرف نظر کنیم در صورتیکه هر روز دیوانه این
اعمال را تکرار کنند بنابراین میشود کتک که این از قتل
مهتر نیست غیر از قتل مهتر است. و آقاسنی بیدید شده کن

آقای مؤید احمدی تذکر دادند اگر چه مربوط باین لایحه
نیست ولی جویاش لازم است بایشان داده شود به حلالا بلکه
از یکسال قبل بنده متوجه شدم که بعضی از مأمورین ولایات
فرماندارها و مأمورین ارتش این رویه را اعمال میکنند که
بنا به تقاضای عملی اشخاص را فریب میکنند از تعهد خودشان
بجمل دیگری و بنده جلو گیری کردم چون بدون حکم
داد که بود هیچوقت اینها را بوقع اجرا نمیتوانستیم و آن
مقامانی هم که این مطلب را تلقین میکردند جلو گیری
نمیکردیم و بالاخره جمیع درموفی میشد که بحکم عهده
باشند و غیر از آنرا بنده جلو گیری کردم و راجع بانهایی
که بعد شده اند البته بعضی ها هستند که نسبت به اینها
نگرانی نیست آنها را دستور داده شده است که بعضی های خود را
مراجعت نمایند ولی نسبت بیسش ما ممکن است نگرانیها
باشد اینها است که اینجا را اجازه ندادیم و امیدیم (صحیح
است). عرض کنم تذکره که آقای ملک مدعی فرمودند راجع
بدیوان کفایت البته اساساً صحیح است ممکن است که بگوئیم
که محاکم اختصاصی و دادگاههای خصوصی با مراتب رشد
و حقوق جامعه نباید مخالف باشد با این کسبیت که آقا هم
شاید موافق باشند البته بحث در این مورد را میدانم موقش
رسیده است یا غیر؟ دیوان کفیر و وضع دیوان کفیر یک
نوع جویانی داشت که آن نوع جویان برای حفظ حقوق جامعه
بود که تخطی بچنان و حال مردم در وقت مأمورین توجه داشته
باشند که جان و مال مردم در دست مأمورین دولت است و
این مأمورین هستند که با اختیاراتی که آنها داده میشود
بیکراهی مردم مجبور دارند و متأسفانه قضایان بگوئیم که
اینها دارای یک کسبیت هالی هستند که بدینون نسبت با آنها
با یک سختی خاصی عمل کرد و می بینیم که این اندازه رشد
و بلوغ در ما ایجاد نشده است که مأمورین ما آلتوری که
باید احقاق حق افراد جامعه را بکنند و لغزش برای آنها
پیدا نشود لغزش غیر عمدی اگر بود ما حرفی نداشتیم ولی
متأسفانه بعضی می بینیم زیاد هم می بینیم که لغزش عمدی هست
که نمیشود از آن سرف نظر کرد ولی البته در قوانین دیوان

کفیر باید تجدید نظر شود یعنی قوانین هست که ممکن
است نسبت باشد ضعیف باشد اینها را باید تبدیل کرد
بنده از چند ماه پیش مشمول اینکار شدم و کمیسیونهای
هم مشمول این کار هستند و امیدوارم در پیشگاه خود
اصلاح این قوانین را به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنیم
موضوع دیگری که آقای انوار تذکر دادند رجه آقاییات
ندایندگان جواب ایشان را دانند ولی یک مطلب است و آن
تقاضای فوق العاده است بنده هم تصدیق میکنم ولی اختلاف و
ازتفاه که آقا میخواهند در این قانون بر روی کلیه متخلفین
و مرتسبین درمی باز کنیم این جزء قضایای فوق العاده است؟
غیر آقای انوار این جزء قضایای عادی است و بشر بحال
ملکات است (صحیح است) یک مصلحتی بود که مصلحتی را آقا تذکر دادند
که نسبت به شخص محترم است که خود آقایان نمایندگان
تکذیب کردند بنده دیگر عرض نمیکند ولی بالاخره راجع
بمجرمین باید عرض کنم که تفضل و تقدیر نسبت باین اشخاص
معدنی همان بشر شیخ سیدی است که در اقتصاد سال پیش
فرمود است که دیگر بنده در این جا تکرار نمیکند
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کالیات
وایس - رأی گرفته میشود بورود در دستور مواد موافقتین
قیام فرماید (غالب برخاستند) تصویب شد. ماده اول فرات
می شود.
ماده اول - بوزارت دادگستری اجازه داده می شود
کسانی را که بوجوب قسمت یک و دو ماده یک و ماده پنج
قانون مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ و همچنین اشخاصی را که
با تمام مذکور در قسمت اول ماده ۸۱ قانون کفیر عمومی
اصلاح شده مصوب اردی بهشت ۱۳۱۰ و کسانی را که بنا بر
مواد ۱۶۲ تا ۱۶۵ این قانون کفیر عمومی بر طبق بند (ب) ماده ۲۶۹
مکرر قانون کفیر عمومی مصوب سوم خرداد ۱۳۱۳ تازین
سی ام شهریور ماه ۱۳۲۰ محکوم شده و زندانی هستند
آزاد نمایند
وایس - آقای سزارا
سزارا - بنده یک تذکره بختری داشتیم که جلب توجه

آقای وزیر را بکنم اولاً آوردن این قانون از طرف آقای فریختگان یک نام نوشته است شخصی است مهندس وقت سال بخیر چ دولت تحصیل کرده است نوشته بود که چند خوبست اشخاص متویات اعلی حضرت را اجرا کنند و در کتفها روید و پلاهای خوب بپزند چند تا از این جور چیزها نوشته بود بنده چون نمی خواهم اسم اشخاص را ببرم لیکن اگر آقایان بخاطر دانسته باشند چون عکس این جوان را در روز نامه چاپ کرده و نام او را نوشتند چقدر جنودی که این شخص غیبات بمین خود کرده است و واقعا بنده وقتی خودم این قیافه را دیدم بنظر غیبات به او نگاه کردم و گفتم که این جوان یک لواطی نوشته است در حرفهای بدی زده است و وقتی که آمد به ایران را در بند پهلوی او را گرفتند و هشت ماه حبس محکومش کرده بود بعد از آنکه مدت حبسش گذشت حالا برای اعاده جیشش مضطرب بود برای اینکه جریبان را برای من گزارش داد و معلوم شد آقاورد بوده است حالا اگر آثار جزائی برای لواطی بماند کار بهش نمیدهند استفاده از وجودش نمیشود حالا جمعاً این کاری که آقای وزیر داد کسری کرده اند رفع نگرانی هم از او میشود بنده اینها را نذر میگویم که این قانون نشر اکذیب هم اصلاح بشود و البته آقای وزیر داد کسری هم منظور و یک شروع کرده اند و منظور که فرموده اند نظر دارند باصلاح قوانین موجب تقدیر است یکی دیگر از قوانین اساسه ادب است مثلاً همین قانون از لحاظ اینکه وسیله آلت دست اجرای مقاصد سوء به اشخاص بوده است که تا لایق و کفایتش بود و امیدوارم بعد از این احتراز کنند که این وسیله وسیله بازی ها شود که بکنفرانچر آیروند این کشور وقتی يك نامه می نویسد به تجار نخانه خودش راجع بشر کنی که داشته است در پنجه مازندران و مینویسد که من راجع به این شرکت پنجه که دارم عواقبش را نمیدانم چه میشود و باشد برای بد این راسمکنی گرفته اند و چهار سال است این شخص از کشور منواری است برای اینکه این نامه را نوشته است یعنی نوشته است بنده نمیدانم عواقب

این شرکت چه میشود با ناجر دیگری که وقتی از عاملش مطالبه پولش را کرده است و رفته است پولش را بگیرد و بار نامه نوشته است طرف رفته است شهر یابی الان شهر یابی چهار سال است که این بیچاره را تحت فسخن اسائه ادب و بلان کرده است اینهم از جمله مواردی است که باید آقای وزیر داد کسری در نظر بگیرد و اصلاحش کنند اما راجع باین مواد گرچه بنده عرض کنم قسمت راجع بنده چهار است ولی چون میشود در ماده اول در کلیات هم صحبت کرده چون بنده در کمیسیون هم نبودم راجع باین ماده توضیح میدهم راجع به بکپنزار ریال حکومت و حکومتین به انضال ابد از خدمات دولت که در جورات است یکی حکومتی است چنانی است که انضال ابد از خدمات دولتی با آنها ملازمه دارد و آثار اوست يك قسمت هم هست که جزه حکم است آن قسمتی که ملازمه دارد و رقم لزم بود آن اشکالی ندارد البته خودش هم يك مرور زمانی سابقاً داشته است ولی آن قسمتی که جزه حکم است و دادگاه حکم داده است بظان مبلغ حکومت و انضال ابد از خدمات دولتی این را دیگر چرا مبلغ برایش قائل شود و بوجه مناسبت کفیش را که کشیده و جرمه است و این هم مرور زمان یا مدعت به سال برایش قائل شده اند باین بکپنزار ریال باشد یا در یا سه هزار ریال بنده تأثیری درین قسمت ندارد و بکپنزار ریال باینبر داشته شود. یکی هم راجع ب ماده پنجم است رئیس - در ماده يك صحبت کنید.

سزاوار - عرض کردم بنده روی کلیات صحبت میکنم نذر که راجع باین قسمت را میگذارم در ماده ۵ عرض میکنم وزیر دادگستری - این که بنده بکنتری مسامحه میکنم و عیبه نمیکند که جوابش برکت برای این است که آقایان نمایندگان مطالبه را برین نمایند و بکجا جواب داده شود برای احتراز از اینکه تکرار مطالب شود و وقت میبرد و تلف شود. راجع به موضوع ماده ۴ اگر چه بجای خودش باید جواب گفته شود لیکن بزم جواب عرض میکنم موضوع يك هزار ریال باید عرض کنم اینجا توجه کنند در ماده که

اشافه شده در واقع هر يك منم و مکمل دیگری است يك هزار ریال اما از این جهت در نظر گرفتن که چون اموری جزئی و کوچک بوده آدمین این راه را باز کردیم و تسهیل کردیم که دادرس و اعاده مجا که بلند و قطع شود ولی البته تصدیق میفرمائید يك موضوعی که رسیدگی نده و جریبان قانونی آن طی شده و هم مراتب و حکم نسبت بآن صادر شده من منظور میبودم از سرف نظر کرد باید با نظریه قانون و دادرس در آن تجدید نظر کرد باین جهت این ماده را اما در نظر گرفتن که کسان دیگری که در حدود بکپنزار ریال بیشتر نسبت با حکمی که در ماده آنها اعتراض داشته باشند اما کمیابانی که آقایان ذکر کردند و ما در نظر گرفتن و ما نمیدانیم که همایش من منظور است یا غیر و شاید منظور باشد باینکه گفتیم که مطابق اصول قضائی قانونی باطله برای این هارید یکی شود اگر مختلس و مرتضی بیدعت تبره میشود و از هر جهت و شمشان دوشن میشود اگر هم یا وضعیت عادی بودمان البته آقایان هیچوقت تجویز نمیکرمانند که این اشخاص را مشمول عفو قرار دهیم و اعاده جیش برای آنها بشود که بیاندوه مشغول کارشود و دور میباید کسی های دولت را اشغال کنند و باینکه بیجان مردم (نماینده کالن - صحیح است) و این سزاوار نیست. راجع باشاهه اکذیب و اسائه ادب که آقای سزاوار نذر کرده باید عرض کنم که خود قانون گرچه ممکن است يك نواقص داشته باشد و این در هر قانون ممکن است باشد ولی بطور کلی این مواد عیب ندارد لازم هم هست و مولود يك زمانی بوده است و باید هم باشد حالا اگر بعد عمل شده بود بوقع اجرا گذارده شده باید آن اصلاح شود و لا شما هم از انشاءه اکذیب ممکن است منتشر شود هر فردی در جامعه باید از این متعلق شود و باید این قانون باشد و اما اینکه ممکن است از این قانون سو استفاده شود و تسهیل البته کلاً رسیدگی میشود و تفتیش میشود اگر اشخاص باشند که تحت تعقیب هستند و بر خلاف واقع آنها متعقب کرده اند معاف میشوند و اگر این مطلب سحت داشته باشد البته آنها هم به مجازات خوششان میرسد.

رئیس - موافقین با ماده یک بر خیزند. (اکثر برخاستند)
صوت دد ماده ۲.

ماده ۲ - کسانی که پستارین برآمده در ماده یک این قانون تا تاریخ سیام شهریور ۱۳۲۰ محکوم شده و هنوز محکوم عکومت آنها اجرا نشده و همچنین اشخاصی که تا تاریخ مذکور با اتهامات مبرمه تحت تعقیب هستند از اجرای مجازات و تعقیب معاف میشوند.

رئیس - موافقین بر خیزند. (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۳.

ماده ۳ - بموجب این قانون هیچگونه آثار جزایی به حکومت اشخاصی که با اتهامات مذکور در ماده یک این قانون تا تاریخ سیام شهریور ۱۳۲۰ محکوم شده اند مرتب نمی شود.

وزیر دادگستری - اینجا آقای اورنگه یک تذکره دادند و از بنده توضیحی خواستند که نگفته ماند و آنزین بود که آیا این معافیت شامل اشخاصی که در دادگاههای ارتش هم محکوم شده اند میشود یا خیر! اینجا عرض میکنم که البته این مواد شامل آنها نیز میشود فرقی نمیکند چه در دادگاههای ارتش شده باشد و چه دادگاههای دیگر.

رئیس - آقای اورنگه.

اورنگه - مواد احکام صادره از ارتش ۴ ماده است. یکی ماده ۶۰ یکی ۶۵ و یکی ۷۸ و یکی ۷۹. این چهار ماده است که هم احکام صادره از ارتش هستند باین چهار ماده است در زمان صدور حکم آن قانون و این مواد منسوخ شده بود خواستم آقای وزیر دادگستری توضیح بدهند که اشخاصی که بموجب این مواد چهار گانه منسوخ شده در ارتش محکوم شده اند اعاده حیثیت آنها میشود یا خیر؟

وزیر دادگستری - این تذکره که میفرمایند حالا نمیتوانم جواب بدهم و ملاحظه که عرض کردم تمام آن کسانی هم که در دادگاههای ارتش محکوم شده اند شامل میشود چنانچه آقایان اطلاع دارند یک دیدشان آزاد شده

و تکلیف آنها معلوم شده و باید باقیان داشت که نسبت آنها این مواد اعمال میشود حالا این قانون با آن مواد تطبیق میکند یا نمیکند بنده حالا نمیتوانم جواب عرض کنم.

رئیس - ماده ۳ مطرح است. آقای اوحیدی.

اوحیدی - با اینکه میفانم آقای وزیر دادگستری در الحرف مواد لایحه مربوطه بنفوذشان توجه دارند خصوصاً حضور قلدشان را بیک نکته مختصر متوجه کرده عرض میکنم که در این ماده صرفاً نوشته شده است هیچگونه آثار جزایی مرتب نمی شود بنده عرض میکنم با تجربه مهم ثابت شده است که در مقابل دادگاه قوانین باینست یک صراحت لفظی

داشته باشد که به چه چیزند بآن صراحت بنده میدانم مقصود آقای وزیر عدلیه از این هیچگونه آثار یعنی اعاده حیثیت طرف مقابل است کما اینکه قبل از حکومت سیاسی با تعقیب سیاسی یا تقصیر سیاسی داشته است میدانم این مقصود هست ولی چون در این ماده تصریح باین نکته نیست از ایشان استدعا میکنم موافقت بفرمایند یک جمله کوچک بدیالاً این ماده اضافه شود و آن جمله این است: اشخاصی که با اتهامات مذکور در ماده یک این قانون تا تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ محکوم شده اند هیچگونه آثار جزایی مرتب نمی شود و اعاده حیثیت آنها قهری خواهد بود این را شما قبول دارید و این عبارت نوی آن خوبیده اما برای خاطر اینکه قاضی ملتفت باشد اشکالی ندارد دیگر مختارید قبول میکنید مختارید بدهم میکنید مختارید.

وزیر دادگستری - بنظر بنده اگر کمزروه تغییر قوانین توجه داشته باشیم و باین ماده قانون هم درست عطف دقت کنیم تصور میکنم که احتیاجی به توضیح نباشد و مطلبی را که آقای ذکر کرد لازم نباشد که ذکر کنیم زیرا این عبارت بخودی خود مطلب را میرساند و اگر بخواهیم عبارت ایشان را اضافه کنیم اعاده حیثیت قهری ممکن است خودش تولید اشکال کند و هیچ لازم ندارد

رئیس - آقای سزارار

سزارار - بنده خواستم عرض کنم که این آثار جزایی

وقتی مرتب باشند اعاده حیثیت بر میگردد با اینکه تصریح کرده ایم که آثار جزایی مرتب نیست بنا بر این ذکر اعاده حیثیت ضروری ندارد

رئیس - موافقین با ماده سوم بر خیزند. (عمده زبانی برخاستند) تصویب شد. ماده چهارم

ماده ۴ - نسبت به کسانی که تا تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ بعنوان ارتشاء یا باخراص (یا بکهر از رجال) محکوم بافضل آید از خدمت دولتی شده اند در صورتی که از تاریخ اجرای حکم نهمت سه سال مرتکب بزه نشده باشند دیوان کبیر پس از رسیدگی حیثیت آنها را اعاده مینماید. این رسیدگی در جلسه اداری دادگاه بعمل خواهد آمد.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنده راجع باین ماده عرض نموده اند نسبت فقط یک تذکره قانونی میخواهم بدهم و آن این است که اصولاً تعقیب نامتاه و معمول دولتی که مخیر کمیسیون اعضا میکنند و بعد باید عین آنچه که در کمیسیون تصویب شده در لایحه بنفوذند و تقدیم مجلس شورای ملی کنند و اینکه این جا چاپ شده است درست است و مطابق است با آنچه که در کمیسیون تصویب شد ولی مادراً آقای قاضی قزاق فرمودند بدهم یک کلامه بر داشته شده نوشته شده از تاریخ اجرای حکم بنده میخواهم بگویم اجرای حکم چتر است یا تعلیق محکوم و باز هم مخالفت ندارم با اینکه اجرای حکم باشد ولی اساساً باید این دوره تعقیب شود که آنچه در کمیسیون تصویب می شود محتمل باشد حالا اگر بعد از تصویب کمیسیون وزیر مربوطه نظری داشته باشند باید در مجلس پیشنهاد کنند و آقایان هم موافقت کنند و تصویب شود و الا در این اصلاحی که شده است بنده مخالفتی ندارم لمساً مقصودم از تذکره استاده از این موقع برای آنست که اگر در آیه بخواهند اصلاحی میکنند طبق مقررات بعمل آید و الا اگر غیر کمیسیون صرفاً تذکره بدهد و اصلاح کنند صحیح نیست و الا در موضوع تعلیق یا اجرای حکم جنسی بدهم و این سابقاً یک عنوانی داشت که اگر حکمی صادر می شد

وقتی که ابلاغ میشد بطرف وده دوزمبکشت اگر استیذان داشت میداد و اگر استیذان نمیداد این حکم قطعی شد بدو در اینجا حکم راجع بافضل آید است که تاریخ اجرا ندارد تاریخ اجرای حکم کمی است. وقتی که منقض شد باوقتی که مرد ما کمیسیون حکم اجرا شده و این اجرای حکم بافضل آید نمیچید این تذکره قانونی که بنده عرض کردم. اما قسمتی که اینجا اصلاح کرد و نوشته اند از تاریخ اجرای حکم بنده مخالفتی ندارم باینکه آن سال هم مخالفتی ندارم باینکه یک قدری طولانی تر میشود در اجرای حکم سه سال چهار سال میشود ولی اینکه بطور کلی نوشته اند اجرای حکم بافضل آید منظور میشود و اشکالی پیدا نمیکند بنده پیشنهاد میکنم بجای تعلیق حکم همان از تاریخ اجرای حکم بنفوذند استفاضه افضل چون کم از مدت محکوم افضل هم باشد چون اگر اینکار را بکنیم این سال میشود باشخاصی که زندانشان را تاریخ پرداخت مبلغ تا سه سال باشد بنده این را زیاد بد میدانم.

وزیر دادگستری - همیشه گفته اند هر وقت کسی حرف حسابی داشت ممکن است خیلی هم حرف های نا حسابی هم مخلوطش کند و بگوید. آقای نماینده محترم هم در اینجا باین قضیه عمل فرمودند که باینست ترتیب این اصلاح بعمل آید بنده به آقای غیر محترم کمیسیون عرض کردو ایشان هم گویا با تذکره دادند در اینجا حالا باین ترتیب خوبت عمل شود یا خیر بنده در اینجا بجای تقصیر ودر این قسمت که نوشته شده اجرای حکم اگر آقا وقت بفرمایند بیشتر باین منظور خود شما را خوانستایم بکنیم برای اینکه وقتی که تعلیق گذاشته شده بود خاطر نشان هست ما اینجا نوشته ایم بموجب جزو چهار ماده قانون دیوان کبیر و اینرا بنفوذ قضای خودتان در داشتیم و بنده هم با هم کارها برداشتم برای اینکه نمی خواستم اینکه بشود در هر حال چون اینجا خیلی آله کردید و افرادی را ذکر کردید که دل آدم به آله وقت میبرد برداشتم و گفتیم که این طور افراد را شامل

داد و تا بکفزار دیال گذاشتیم و موشوعاً از این منظوری که داشتیم پیشتر شد با آن قیدی که کردم میزان درست دیال را شامل دیال در شامل میشد و بکفزار دیال موشوعات دیگر را شامل میشد پس بنا بر این بابیستی اجرای حکم که در پاره افرادی که شما میخواهید اعاده حیثیت نسبت بآنها باشد باین وسیله شده است حالا میفرمایند اجرای حکم برای انضام مورد نیاز بلکه برای غیر انضام مورد دارد الحمدلله توجه فرمودید که برای غیر انضام مورد دارد در صورتیکه برای انضام هم مورد دارد چرا؟ (حالا نفرمایید من استدلال میکنم برای اینکه با حق را حق کرده باشم) چرا؟ برای اینکه وقتی که میگورید تاریخ تاریخ اجرای حکم یعنی شروع کند باقی اجرای حکم مفروض این است که بگوئیم حکم برای انضام ابد بوقوع اجرا گذاشته شود و این دو حال دارد مکن است که اصلاً محکوم را بدست یابورند و حکم اجرا نشود و ممکن است محکوم بدست نیاید و حکم اجرا شود یعنی اگر حبس دارد حبسش کنند و اگر محکوم بانضام است او را منتقل بکنند اینجا اجرای حکم انجام شده است پس لازم بتوجه نسبت اجرای حکم لازم است و تطبیق مورد ندارد.

پس از اینها بنده سخن - مذاکرات کالی است

رئیس - آقای موسی

موسوی - البته بنده عضو کمیسیون هستم لکن میخوام توضیح کوچکی عرض کنم نظر من مایشی که آقای دکتر جوان کرد بد به بنده هیچی با او نیست که در عنوان انتباهی تولید شده بطوریکه من می گویم بنده عضو کمیسیون نیستم ولی یک لایحه را که آقای منبر کمیسیون به بنده میبخشد که بخوام بنده منتفهم که با نظر کمیسیون و با نظر آقای وزیر داد کسری اصلاح و تنظیم شده است و بنده میخوام من منشی هستم باید بخوابم این است که خواستم از خود دفاع کرده باشم (اظهار شد - مذاکرات کالی است)

رئیس - موافقتین با ماده چهار قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۵

ماده ۵ - کلیه اشخاصیکه به برزه ازشاه و اخلاص در دیوان کثیر محکوم شده اند و محکومین آنها قلمی

شده است می توانند از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه ماه نسبت به حکم محکومیت خود از وزارت داد کسری درخواست اعاده داد رسی نمایند هر چند مورد مشمول ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کتیری هم نباشد وزارت داد کسری در دیوان کثیر شنبه خاصی برای رسیدگی باین درخواستها تشکیل خواهد داد که مطابق مقررات وابسته تجدید دادرسی نماید - حکم این دادگاه قلمی است و قابل پژوهش و فرجام نمی باشد

رئیس - آقای سزوار

سزوار - بنده فقط یک تذکری میخوام عرض کنم اشخاصیکه نسبت بآنها حکم قلمی شده و آنوقت تاریخ تصویب این قانون نامدست سه ماه می توانند از وزارت داد کسری درخواست اعاده محاکمه نمایند اگر اینها حکمی که نسبت بآنها قلمی شده و در باز داشتند هستند و هنوز از مدت باز داشت آنها معنی باقی است آیا در توفیق می مانند و اعاده دادرسی میخوانند؟ که این موضوع ندادر اگر آزاد میشوید که البته بورد است و صحیح است و الا اگر بنا باشد که در توفیق بماند چگونه اعاده داد رسی میفرمائید بخوانند؟ او که کثیر خودش را کشیده است و اگر آزاد شود چنانست و مامی می ندادد و باسول هم نزدیک تر است

وزیر داد کسری - بنده تصور میکنم نماینده محترم

توجه فرمودند تکلیف این موضوع در قانون آیین دادرسی معین شده است در صورتیکه در حبس باشد و در حال اجرای حکم باشد آن حکم را که گفتیم که از اثر انقضاء است گفتیم اعاده رسیده کسی میباید اعاده داد رسی کند در صورت سابق بودن خودش باقی است و اجرا میشود پس بد از این اگر بره که شد البته آزاد میشود

رئیس - آقای اورار

اورار - یک پیشنهادی بنده و آقای مولوی کردم برای این ماه و آن این است که نوشته شده است حکم دادگاه قابل پژوهش و فرجام نباشد با پیشنهاد کردم که قابل فرجام باشد حالا میل دارند قبول فرمایند میل ندارند بسته بنظر خودشان است

اورنگ - این بر خلاف نظر خودتان است وزیر داد کسری - عرض کنم منظور که آقای اورنگ تذکر دادند این موضوع باینکه انداز بر خلاف منظور آقایان نمایندگان است که این پیشنهاد را داده اند چون آقایان میخواهند این اشخاص زودتر راحت شوند و زودتر خلاص شوند و حالا خودشان میخواهند که بکشنگ دیگری برای او پیش نیاید و این کار بکنکرات اسباب بطور جریان آمد طول کشیدن و توی امریست و در خلاف منظور خودشان است.

اورار - مسترد دانستم.

رئیس - موافقتین با ماده پنجمه بنده (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده الحاقیه رسیدگی است از آقای اعتبار خوانده میشود:

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده این پیشنهاد را که کردم دوی مذاکرات قبلی بود و آقای وزیر داد کسری هم عده فرمودند در قوانین دیگر درست میکنند بنده متقاعد شد پولی نکته را خواستم خدمتشان عرض کرده باشم که فرموده آقایان مورد تردید است و تکذیب فرمودند عرض میکنم بک قانونی که در سال ۱۳۱۵ گذشت تا کنون که پنج سال است اگر شما یک جلسه دومی برای اجرای این قانون در شورای عالی وزارت داد کسری پیدا کردید چه در زمان خودشان و چه در زمان قبل از خودتان که این هیئت و این شوری تشکیل شده باشد؟ بنده عرض میکنم که این قانون یک قانون عادی بوده است که گذشته و یک سال جلشم هم تشکیل شده است فقط برای بیچاره کردن سه نفر اشخاص بخصوصی بوده است و بنابرین تصدیق میفرمایید که بک قانون عادی نیست و قابل این بحث که مورد توجه قرار بگیرد و اصلاح بشود.

وزیر داد کسری - خیلی خودوقت هستم که میتوانم خاطر آقایان روشن کنم که خودم در این قسمت این قانون را اجرا کردم و چندین بار پیش از این خودم کردم (اعتبار - تذکرید) چرا اینها شما خودم کردید شورای عالی و تشکیل دادیم

وزیر داد کسری - موافقتین با ماده پنجمه بنده (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده الحاقیه رسیدگی است از آقای اعتبار خوانده میشود:

رئیس - آقای رانی

رانی - بنده یک تذکری داشتم عنوان این لایحه عنو حکومین و مفسرین سیاسی است در صورتیکه در هیچیک از مواد این لایحه این اسم برده نشده و متهمین هم محکوم سیاسی نشده اند چون مطابق قانون رسیدگی بجرم سیاسی رسیدگی نشده است و جرم سیاسی مطابق قانون باید با حضور هیئت منصفه تشکیل شود و تا بحال در مملکت ما این هیئت تشکیل نشده و بنده میخوانم همین کتم که یک قانونی تهیه نمایند که جرم سیاسی تشخیص داده شود که چیست در مملکت ما نامیده شده اما کتم را کمتر اشکال و منظور نشود و این چیزها و این راهی را از زیر دستشان در نیاید و قانون هیئت منصفه و طرز منازعه و حدود اختیاراتشان را هم تهیه کنند که در وارد جرم سیاسی مشغول بکار شود.

وزیر داد کسری - بنده توجه آقای نماینده محترم را همین عبارت صدر این قانون جلب میکنم و تصور میکنم که رفع اشکالاتش بشود اگر چه نام مواد هم سرحایت دارد برود منظور ایشان نوشته شده لایحه واجه بمؤخر بین سیاسی و عادی و راجع به هیئت منصفه هم که فرمودند قانونی لازم داریم و فلا اختیاری بآلت داریم و اگر اصلاحی لازم داشته باشد البته بنده میآید.

رئیس - در کلیات آخر نظری نیست؟ (اظهار شد) موافقتین با ماده پنجمه بنده (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۶ - موع و دستور جلسه بعد. ختم جلسه

رئیس - تصویب میفرمایید جلسه و ختم کنیم (تصویب شد) جلسه آینده روز یکشنبه بیست و هفتم بهرماده سه ساعت پیش از ظهر دستور لوائح موجوده (مجلس يك ساعت و بیست و هفت دقیقه از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن استاد پلری

قانون

راجع به عفو محکومین سیاسی و عادی

ماده ۱ - بر وزارت داد کسری اجازه داده میشود کسانی را که به موجب قسمت يك و دو ماده يك و ماده پنج قانون مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ و همچنین اشخاصی را که باهام مذکور در قسمت اول ماده ۸۱ قانون کثیر عمومی اصلاح شده مصوب اردیبهشت ۱۳۱۰ و کسانی را که بنابر مواد ۱۶۲ و ۱۶۵ قانون کثیر عمومی بر طبق بند (ب) ماده ۲۶۹ مکرر قانون کثیر عمومی مصوب - ۱۰ خرداد ۱۳۱۳ تا تاریخ سیام شهریورماه ۱۳۲۰ محکوم شده و زندانی هستند آزاد نماید.

ماده ۲ - کسانی که بمنابریم نامبرده در ماده يك این قانون تا تاریخ سیام شهریور ۱۳۲۰ محکوم شده و هنوز حکم محکومیت آنها اجرا نشده و همچنین اشخاصی که تا تاریخ مذکور باهام نامبرده نجات تعقیب هستند از اجرای مجازات و تعقیب معاف میشوند.

ماده ۳ - به موجب این قانون هیچ گونه آثار جزائی به محکومیت اشخاصی که باهامات مذکور در ماده يك این قانون تا تاریخ سیام شهریور ۱۳۲۰ محکوم شده اند مترتب نمی شود.

ماده ۴ - نسبت به کسانی که تا تاریخ ۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۰ بمنزله ارتقاء یا اختلاس (تایکوزار ریال) محکوم بانضال آید از خدمات دولتی شده اند در صورتی که از تاریخ اجرای حکم تا مدت سه سال مرتکب جرمی نشده باشند دیوان کثیر پس از رسیدگی حیثیت آنها را اعاده مینماید.

این رسیدگی در جلسه اداری داد گاه بعمل خواهد آمد.

ماده ۵ - کلیه اشخاصی که به بزه ارتقاء و اختلاس در دیوان کثیر محکوم شده اند و حکم محکومیت آنان قطعی شده است میتوانند از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه ماه نسبت به حکم محکومیت خود از وزارت داد کسری درخواست اعاده داد رسی نمایند هر چند مورد مشمول ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی کبیری هم نباشد وزارت داد کسری در دیوان کثیر شعبه خاصی برای رسیدگی باین درخواست ها تشکیل خواهد داد که مطابق مقررات وابسته تجدید دادرسی میباشد - حکم این داد گاه قطعی است و قابل پژوهش و فرجام نمی باشد.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه بیست و چهارم مهرماه یکهزار و سیصد و بیست و تصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری